



۱۳۹۶ | سه شنبه ۲۷ تیر
۲۳ شوال ۱۴۳۸ | ۱۸ جولای ۲۰۱۷
سال سی‌ام | شماره ۸۴۵۰



یادداشت

غفلت از ولایتمداری

چه کسانی سعی داشتند قطعنامه ۵۹۸ را دستاویزی برای تضعیف نظام پس از جنگ قرار دهند؟

ا بهاره داداشی | اعتقاد به ولایت فقیه در انقلاب اسلامی زمینه ساز وحدت و یکدلی بوده است و مادام که این اصل مورد احترام بوده و همه مردم و مسئولین به آن پایبند باشند انقلاب اسلامی با حفظ ماهیت و هویت در صحنه بین‌المللی به حیات خود ادامه خواهد داد.

اگرچه این نظریه و طرح آن از سوی امام خمینی(ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی مورد وفاق ملی بود ولی با این وجود کسانی بودند که در این زمینه دارای اختلاف عقیده بودند و به شرایط الزام آور در یک نظام ولایی باور نداشتند و هراز گاهی با مخالفت های خود، موجب ایجاد اختلافات داخلی و یا فرصت سازی برای دشمنان خارجی انقلاب اسلامی شدند.

این تضادها از زمان حیات امام خمینی(ره) وجود داشت و شرایط نامساعد و بحرانی کشور در دوره جنگ با عراق و نیز وقوع فتنه های داخلی چون مبارزات مسلحانه سازمان مجاهدین خلق با انقلاب موجب نشد تا در ک موقعیت آنان را از ابراز مخالفت باز دارد.

تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل در تیر ماه سال ۱۳۶۶ و قبول آن از سوی رهبر انقلاب اسلامی در تیرماه سال ۱۳۶۷ مبدأ اظهار نظرهای مخالفی بود که اگر تدبیر امام خمینی(ره) و برخورد قاطع و انقلابی با آنان نبود می توانست به گره کوری برای نظام اسلامی تبدیل شود و در شرایط بحرانی آن روز مقاومت ایران که دشمنان خارجی مترصد فرصتی برای وارد آوردن فشار بیشتر بر مردم بودند توسط بی بصیرتان و دوستان نادان داخلی شکسته شود.

قطعنامه ۵۹۸ در شرایطی مطرح شد که ایران توانسته بود پیشروی ها و موفقیت های مهمی در صحنه نظامی و در میدان های نبرد با رژیم بعث عراق به دست آورد. نگرانی از تثبیت موقعیت نظامی و حفظ مواضع برتر در صحنه دیپلماتیک در جوامع بین المللی مبتنی بر تأمین حقوق و نظرات ملت ایران در مسئله جنگ، دولت های صاحب نفوذ در شورای امنیت را نسبت به از دست رفتن موقعیت عراق در منطقه دچار نگرانی کرد و راه حل آن صدور قطعنامه ای با در نظر گرفتن مطالبات ایران بود.

با این وجود نتایج موفقیت آمیز جنگ و تأثیرات بین المللی آن در پیروزی یک انقلاب مردمی که به منزله شکست استکبار و قدرت های جهانی در مقابل یک نظام تازه تأسیس بود و می توانست برای سایر ملل الگوی عملی در مبارزات آزادی خواهانه باشد و خروج عراق از مرزهای ایران که خواست همه انقلابیون و رهبر کبیر انقلاب اسلامی بود علل تأکید رهبر انقلاب بر ادامه جنگ بود؛ از این جهت قطعنامه های صادره شورای امنیت تا کنون با نظر منفی قاطع ایران مواجه شده بود.

اما در قطعنامه ۵۹۸ امام خمینی(ره) قطعنامه را با مشورت و کسب نظرات خبرگان نظامی و سیاسی و علی رغم میل قلبی قبول کردند زیرا که مصلحت انقلاب و ملت ایران را در قبول آن تشخیص دادند.

ملتی که تصمیم گیری در سرنوشت خود را به ولی فقیه سپرده است به تشخیص وی در مصلحت ها ایمان دارد و باید مطیع او باشد. اما در قضیه قطعنامه و پاسخ مثبت امام(ره) به پذیرش آن عده ای این گردن گذاری را فراموش نمودند و بی توجه به مصالح کشور عمل کردند.

محمدجواد لاریجانی که در زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸ معاونت بین الملل وزارت امور خارجه را به عهده داشت و مسئول مذاکرات مربوط به قطعنامه بود در بخشی از خاطرات خود یادآوری می کند که: «دوستان چپ در دولت و وزارت خارجه سر سازگاری نداشتند و بر روی وزیر خارجه فشار می گذاشتند و معاون مربوطه و مدیران و کارشناسان را نقد می کردند. در آن ایام مجلس سسوم بر روی کار بود و ماهیت مجلس سسوم هم چپ بود.

خیلی ها بدون آنکه یک سطر قطعنامه را خوانده باشند، با آن مخالفت می کردند. چون که مثلاً از فلان فرد خوششان نمی آمد، جالب است که سال های بعد که جامعه باز شده بود همه چیز و همه کس را نقد می کردند و کسی را بی بهره از حملات سیاسی نمی گذاشتند و آن روزها مخالف قطعنامه و پایان جنگ بودند و در نسیان سیاسی و بی توجهی به خاطره ها و واقعیت تاریخی، شعارهای آسمان کوب می دادند که چرا جنگ را پس از فتح خرمشهر تمام نکردید. در وزارت خارجه نیز دوستانی بودند که علاقه مند بودند پایان جنگ با پیروزی رزمندگان اسلام و نابودی رژیم بعث همراه باشد»^۱.

علاوه بر ناسازگاری و ناهماهنگی هایی که از سوی برخی از نمایندگان مجلس صورت می گرفت تصمیم گیری میرحسین موسوی به عنوان نخست وزیر وقت نیز بر گره کارها افزود. بی تدبیری در اتخاذ تصمیم کناره گیری در شرایط بحرانی آن روز با واکنش جدی امام خمینی(ره) مواجه شد و کشور را از شرایط بحرانی نجات داد.

ایشان با عتاب فرمودند: « در زمانی که مردم حزب الله برای یاری اسلام، فرزندان خود را به قربانگاه می برند چه وقت گله و استعفا است..... همه باید به خدا پناه ببریم و در مواقع عصبانیت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سوء استفاده کنند»^۲.

۱. بخشی از خاطرات محمدجواد لاریجانی، انتشار در سایت تبیان در تاریخ ۹۲/۴/۲۷ با عنوان «موافقان و مخالفان قطعنامه»

۲. واکنش امام خمینی به استعفانامه نخست وزیر ۶۷/۶/۱۵



جام زهر عبارتی است که با قطعنامه ۵۹۸ عجین و همنشین شده است

توقف اجباری قبل از ایستگاه پایانی

خمینی در این باره می فرمایند: « اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می نگریستیم و می رسیدیم...»^۱ با نگاهی بر دوران هشت ساله جنگ تحمیلی و مطالعه شعارهای رزمندگان، شعار «جنگ، جنگ تا رفع فتنه» را اصلی ترین شعار می یابیم. شعاری که رزمندگان در جنگ تحمیلی به تأسی از رهبرشان آن را سر می دادند. امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در طول جنگ تحمیلی آرمان های بزرگی را تعریف کرده بودند.

ایشان به عنوان یک هدف کوتاه مدت خواستار تشکیل حکومت اسلامی به دست مردم و سرنوشتی دیکتاتور عراق و رهایی مردم مسلمان این کشور از چنگال استبداد عراق بودند.

رهبر انقلاب اسلامی در قامت یک رهبر اسلامی و نه فقط ایران معتقد بودند «جنگ ما آزادی فلسطین را در پی خواهد داشت ...»

اما پذیرش قطعنامه که در شرایطی نه چندان مطلوب صورت گرفت چشم پوشی از همه آن اهداف و آرمان ها و صرف نظر کردن از همه آن شعارها را در پی می آورد.

می توان گفت قطار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ایستگاهی مجبور به توقف شد که نه تنها هنوز تا مقصد نهایی یعنی تحقق همان شعارها، اهداف و آرمان ها فاصله داشت بلکه بدیهی ترین هدف آن یعنی تنبیه متجاوز هم محقق نشده بود.

بنابراین در یک مقایسه بین هدف و نتیجه چنین استنباط می شود که تعبیر جام زهر مناسب ترین تعبیر بوده است. امام خمینی با استفاده از این تعبیر نه تنها به معاصران بلکه به نسل های آینده این پیام را منتقل کردند که هدف ایران در جنگ نه کشور کشایی و نبرد با یک دولت و یک ارتش بلکه ستاندن حق همه مظلومان عالم از مستکبران بود. ایران خواهان رهایی تمام ملت ها به ویژه ملت های مسلمان از یوغ استکبار و استعمار بود.

ایران با ندای حق طلبی در مقابل همه دنیای کفر قرار گرفته بود. اما پذیرش قطعنامه ۵۹۸ لاچرم این مفهوم را بر قلموس سیاسی امام خمینی تحمیل کرد که در برهه های از زمان فشارها، تنگناها و سستی یاران و همراهان می تواند هدفی هر چند به حق را دور از دسترس قرار دهد و این یعنی عقب نشینی از هدف و آرمان. هرچند دستاوردهای یادشده در نوع خود دستاوردهای مهم و تحسین برانگیزی به شمار می روند اما به باور امام در این جنگ اهداف و آرمان های بزرگی نیز هرگز محقق نشدند. امام «جام زهر».



مهم تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

... ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنان مان را شناختم، ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت و ابرقدرت پر بار اسلامی مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه

تمامی قدرت ها و ابرقدرت ها سالیان سال می توان مبارزه کرد...»

هرچند دستاوردهای یادشده در نوع خود دستاوردهای مهم و تحسین برانگیزی به شمار می روند اما به باور امام در این جنگ اهداف و آرمان های بزرگی نیز هرگز محقق نشدند. امام

آن فعلا خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت انسان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه آتش بس موافقت می کنم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم.»

راقم این سطور بر این باور است که ریشه به کارگیری این تعبیر توسط امام را باید در اهداف و آرمان های ایشان جستجو کرد. واقعیت این است که جنگ بر ایران تحمیل شد و امروز کسی در تجاوزگری عراق تردیدی ندارد. حتی سازمان ملل متحد هر چند با تأخیر، در نهایت به صورت رسمی اعلام کرد که آغازگر جنگ عراق بوده است.

با وجود این جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در دفاع از مرزهای خود دستاوردهایی در جنگ داشت که مهم و قابل ملاحظه هستند. امام خمینی در پیمای به برخی از این دستاوردها چنین اشاره کرده اند: «تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن چنانی برخوردار شد و از همه این ها

می توان گفت قطار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ایستگاهی مجبور به توقف شد که نه تنها هنوز تا مقصد نهایی یعنی تحقق همان شعارها، اهداف و آرمان ها فاصله داشت بلکه بدیهی ترین هدف آن یعنی تنبیه متجاوز هم محقق نشده بود

با وجود این جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در دفاع از مرزهای خود دستاوردهایی در جنگ داشت که مهم و قابل ملاحظه هستند. امام خمینی در پیمای به برخی از این دستاوردها چنین اشاره کرده اند: «تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن چنانی برخوردار شد و از همه این ها

پادداشت

انقلاب ایران الگوی مبارزان جهان

چرا امام خمینی(ره) تعبیر جام زهر را درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به کار بردند؟

ا سعید روحنواز |
انقلاب یک اقدام اجتماعی جمعی برای تغییر در سطحی گسترده است و تاریخ جهان تا کنون اشکال مختلفی از آن را در نقاط مختلف تجربه نموده که هریک از آن ها در علل و دلایل وقوع، تحولات و رویدادهای بسیاری که در حوزه های متفاوت در زمان وقوع انقلاب و نتایجی که هر انقلابی به دنبال داشته در بعد داخلی و جهانی نکلت قابل تأملی داشته و به سوزه مهمی در مطالعات آکادمیک تبدیل شده است. در هیچ یک از انقلاب هایی که ذهن تاریخی ملت‌ها به یاد دارد به شدت و میزانی که در انقلاب اسلامی ایران شاهد آن بودیم با هجمه ها و جبهه گیری ها مواجه نشدیم.بازخورد کشورها و دولت های جهانی در قبال انقلاب مردم ایران به حدی بود که به سرعت ائتلاف های چند جانبه برای مواجهه با آن شکل گرفت. همین وضعیت به روشنی نمایانگر اهمیتی بود که نتایج این چنین انقلاب عظیمی داشت که ضمن داشتن پشتوانه مردمی در درون خود بهره مند از یک ایدئولوژی دینی بود و با شعارهای اسلامی چون شعار مبارزه با ظلم و استعمار و تسلط بیگانگان بر ثروت های ملی، گسترش می یافت.
همین پیام زنگ خطر جدی را برای قدرت های جهانی که سال های طولانی بود در منطقه خاورمیانه جولان می دادند به صدا درآورد و عزم آنان را برای مقابله با حیات انقلاب اسلامی جزم نمود. در پیش گرفتن روش های دیپلماتیک و سیاست های نرم و مذاکره با ملت انقلابی ایران به منظور حفظ حضور و نفوذ آنان در کشور اثر نداشت از اینرو مبارزه جهانی با ملت ایران به گونه دیگری رقم خورد. از یک سو تحریم های گسترده در حوزه‌های مختلف به تصویب می رسید و از س‌سوی دیگر با تحریک رژیم بعث عراق برای تجاوز به ایران و پشتیبانی همه جانبه نظامی از این رژیم عرصه را برای ملت ایران تنگ و سخت نمود اما مقاومت ایرانیان شکننده نبود و با پایداری خود از انقلاب دفاع نمودند و تحمل هشت ساله جنگ، قدرت های جهانی را در مقابل ایران در موضع ضعف قرار داد. در طول این سال ها نه تنها ذره ای از مرزهای ایران اشغال نشد بلکه پیش‌روی نیروهای ایرانی به قلمرو عراق حامیان این رژیم را در بهت و حیرت و وحشت فرو بود از اینرو چاره ای جز پیش‌نهاد آتش بس و باز هم تحمیل آن به ملت و رهبر ایران نداشتند.
صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در تیرماه سال ۱۳۶۶ در مقایسه با ۷ قطعنامه ای که پیش از این صادر شده بود شروط مورد نظر ایران را هم مدنظر داشت و این نکته در زمان گسترش دامنه پیروزی های نظامی ایران در جنگ و پیش‌روی در خاک عراق بسیار قابل تأمل بود و عدم پذیرش قطعنامه توسط ایران موجب شد که در چند ماه آینده ضمن اینکه آمریکا به طور مستقیم در جنگ وارد شود و در چند مورد از جمله انهدام هواپیمای مسافری، ایران را تهدید نماید درعین حال بر قوه نظامی ارتش بعث نیز افزود تا از شدت گرفتن قدرت ایران جلوگیری نماید و عراق نیز با این پشتوانه توانست مجددا بخش هایی از مناطق جنوب و غرب ایران را به تصرف خود درآورد.

مجموع این شرایط و استفاده عراق از انواع سلاح ها از جمله سلاح های شیمیایی و کشتار مردم مناطق غربی ایران و برآورد نظامی فرماندهان ارتش و سپاه برای ایستادگی طولانی مدت در مقابل حملات عراق و حامیان جهانی اش و نیز نتیجه مشورت ها در نشست مشترک سه قوه و اعضای شورای نگهبان از شرایط نظامی و سیاسی کشور، امام خمینی (ره) را به عنوان فرمانده کل قوا بر آن داشت تا با وجود بی رغبتی، قطعنامه سازمان ملل را که نزدیک به یک سال از تصویب آن می گذشت بپذیرد و بی میلی خود به این تصمیم را با عنوان نوشیدن جام زهر به همه مردم نشان دهد.امام(ره) در ۲۵ تیر طی نامه ای این تصمیم را به اطلاع مسئولان کشوری و لشکری رساندند ولی نه از نقطه نظر ضعف و شکست. همانطور که همیشه با محوریت اسلام و صلاح مسلمین سخن گفتند و عمل کردند در این مورد نیز صلاح مسلمین و اسلام را در این تصمیم مدنظر داشتند و مسیر را آینده را شرح دادند.ایشان فرمودند: « حال که مسئولان نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می‌باشند، صریحاً اقرار می‌کنند که ارتش اسلام به این زودی‌ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد و نظر به این که مسئولان دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی‌دانند … و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاحهای شیمیایی و نبود وسائل خنثی کننده آن، اینجانب با آتش بس موافقت می‌نمایم … شما عزیزان از هر کس بهتر می‌دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است … خداوند تو خود شهادی که ما لحظه‌ای با آمریکا و شوروی و تمام قدرتهای جهان سرسازش نداریم و سازش با ابرقدرتها و قدرتها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می‌دانیم… مواظب باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی شما را از آنچه صلاح اسلام است دور کنند…».
قدیمی انحرافی حرام است و موجب عکس العمل می‌شود. شما می‌دانید که مسئولان رده بالای نظام با چشمی خونبار و قلبی مالامال از عشق به اسلام و میهن اسلامی‌مان چنین تصمیمی گرفته‌اند خدا را در نظر بگیرید و هر چه اتفاق می‌افتد از دوست بدانید…» امام خمینی(ره) در این تصمیم شرح مسئولان را از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی در نظر گرفتند و تصمیم اصلاح را در حفظ انقلاب و نظام اسلامی دیدند بخصوص از این جهت که در این قطعنامه شروط ایران مبنی بر شناسایی و معرفی طرف متجاوز و ضرورت پرداخت غرامت به ایران نیز گنجانده شده بود و از این منظر حقوق تضییع شده ملت ایران تأمین می شد.

گفت‌وگو با محمد درودیان

قطعنامه ۵۹۸ در بینابین تاریخ و سیاست

فاطمه امیراحمدی |
محمد درودیان پژوهشگر تاریخ ایران و عراق درباره نقد منتقدان قطعنامه ۵۹۸ می‌گوید: منتقدان به اعتبار ملاحظه نتایج و پس از واقعه، دیدگاه‌های مختلفی دارند اما ارزش آن‌ها تنها تاریخی– انتقادی است در حالی که عیار نظرات در حوزه مباحث کلان دفاعی و امنیتی این است که شما مواضع و راهکارهای سیاسی–راهبردی برای تصمیم‌گیری‌ها ارائه دهید نه پس از آشکار شدن نتیجه، در نقد آن اشاره‌های تاریخی– انتقادی داشته باشید.

➦ موضع منتقدان ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر در قبال قطعنامه ۵۹۸ چه بود؛ با توجه به اینکه شما معتقد هستید تصویب قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۶ به دلیل برتری ایران نسبت به عراق بود چرا این قطعنامه یک سال بعد از سوی ایران پذیرفته شد؟
پرسش منتقدان در این مسئله بیش از آنکه مربوط به چرایی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ باشد – به هر حال جنگ باید به پایان می‌رسید و یکی از راه‌های آن نیز قطعنامه بود– درباره نحوه پایان دادن به جنگ بود؛ به این معنی که اگر قرار بود ما جنگ را با قطعنامه تمام کنیم چرا زودتر از این تاریخ به جنگ خاتمه داده نشد.

اگر دقیق‌تر بخواهیم به ایسن موضوع بپردازیم، منتقدان تنها افرادی نیستند که جنگ و ادامه آن را قبول نداشتند بلکه کسانی که باور به ادامه جنگ داشتند نیز نسبت به پایان جنگ از طریق پذیرش قطعنامه ۵۹۸ انتقاد داشتند و معتقد بودند که جنگ تا پیروزی می‌یافت. در نتیجه منتقدان به معنای رایج کلمه، عنوان می‌کردند که اگر قرار بود جنگ با مذاکره سیاسی خاتمه یابد، چرا پیش از این تصمیم‌گیری و اقدام نشد.

اما نکته اساسی در نقد نظر به‌منتقدان به معنای رایج سیاسی، این است که اگر جنگ با پیروزی نظامی به پایان می‌رسید، هیچ انتقادی از سوی آنها وجود نداشت به این معنی که نه عنوان می‌شد چرا جنگ طولانی شد و نه آنکه چرا پس از فتح خرمشهر ادامه یافت، چراکه به هدف خود (پیروزی) رسیده بود. همچنین کسانی که طرفدار ادامه جنگ بودند نیز نقدی نداشتند چون جنگ به نتیجه نهایی خود رسیده بود. به این ترتیب می‌توان منتقدان را به دو دسته تقسیم کرد؛ گروهی که به لحاظ سیاسی گلابه دارند چرا جنگ طولانی شد یا پس از فتح خرمشهر ادامه یافت و در واقع انتقادشان به نحوه پایان جنگ است و نیز گروه دوم که معتقدند اگر قرار بود با قطعنامه به جنگ خاتمه داده شود چرا هنگام تصویب آن در سال ۱۳۶۶ امضا نشد و با تأخیر یک ساله از سوی ایران پذیرفته شد که در این فاصله عراق نیز برخی از مناطق کشور را به تصرف خود درآورد.

در نقد نظریه منتقدین می توان گفت اساساً پرسش‌هایی که ناظر به نتایج است یک نوع تبیین پس‌بینی است و معتقدم تنها ارزش تاریخی دارد و ارزش سیاسی و راهبردی به‌دنبال ندارد زیرا وقتی واقعه رخ داده، با پرسش و نقد، تغییری به‌وجود نمی‌آید. به‌طور نمونه اگر هنگام تصویب قطعنامه گروهی اظهار می‌کردند امروز باید قطعنامه امضا و جنگ مختومه شود، این مسئله دارای ارزش سیاسی–راهبردی بود، درحالی‌که انجام نشد و پس از پایان واقعه، انتقادها فقط ارزش تاریخی دارند.

حال فرض کنیم به محض تصویب قطعنامه، ایران آن را می‌پذیرفت، آیا مسئله منتقدان مرتفع می‌شد؟ جنس انتقادها تفاوت می‌کرد و پرسش این بود که چرا ایران آن را پذیرفت درحالی‌که مناطق زیادی از خاک عراق را در تصرف داشت، یا قطعنامه چه مزایایی برای کشور داشته است امضا شده است؟ یا اظهار می‌شد ایران باید چانه‌زنی می‌کرد و امتیاز بیشتری می‌گرفت.

➦ درواقع شما معتقدید هر تصمیمی گرفته می‌شد

به هر حال منتقدانی به‌همراه داشت.

بله زیرا هر اتفاقی رخ دهد، نظری‌های متفاوت در نقد و تأیید آن وجود دارد اما این نوع انتقادها که پس از واقعه صورت می‌گیرد، تنها ارزش تاریخی دارد.

حال در این‌باره چه باید کرد؟ مهم‌ترین درس و تجربه جنگ برای منتقدان این است که به‌جای تمرکز بر انتقاد تاریخی، در جایگاه و موضعی که قرار است تصمیم‌گیری تاریخی انجام شود حضور داشته باشند و نظرات خود را آنجا ارائه دهند تا نتایج راهبردی را به‌دنبال داشته‌باشد.

➦ چرا پذیرش قطعنامه ۵۹۸

منجر به بروز دو دستگی در میان نیروهای سیاسی شد؛ آیا درباره جزییات قطعنامه میان فرماندهان نظامی و دستگاه دیپلماسی وفاق کامل وجود نداشت؟ با توجه به اینکه عنوان می‌شود دولتمردان در روزهای پایانی جنگ حضور داشتند و بر عکس فرماندهان جنگ بیشتر به‌دنبال پایان دادن جنگ بودند؟

معتقدم موقعیتی که به‌لحاظ سیاسی و نظامی داشتیم و قطعنامه‌ای که بر اساس برتری ایران در سال ۱۳۶۶ طراحی شد، اگر در همان تاریخ پذیرفته می‌شد، با شرایط کشور بیشتر همخوانی داشت. بنابراین شکاف به معنایی که در پرسش مطرح شده وجود نداشت. دو دیدگاهی که عنوان شده در این سوال، بیشتر درباره اهداف و روش‌های پیش‌برد جنگ بود، نه در مورد پذیرش قطعنامه، اما با پذیرش آن دوگانگی نظرات آشکار شد.

همچنین معتقدم این دوگانگی بین نظرات نظامیان و نظرات افراد سیاسی، در تاریخ هر جنگی –اگر جنگ‌اجماع معاصر مورد بررسی قرار گیرد– وجود دارد؛ به این دلیل که ماهیت جنگ یک امر نظامی معطوف به استفاده از سلاح و کشتار در میدان نبرد است که به‌عهده نظامیان

بوده و تصمیم‌های راهبردی بیرون از جنگ نیز به‌عهده افراد سیاسی است. همیشه نقش‌ها و ملاحظاتِی که افراد سیاسی در صحنه سیاسی و راهبردی و نظامیان در حوزه نظامی و عملیاتی دارند، همچنین الزامات آن، متفاوت بوده در نتیجه چنین امری اجتناب‌ناپذیر است و مختص به ما نبوده و در تمام جنگ‌ها قابل مشاهده است. اما اینکه نظر افراد سیاسی چیست و دیدگاه نظامیان چیست، موضوعی دیگر است که پرداختن به آن فرصتی دیگر می‌طلبد

➦ امروز بحث مقایسه برجام و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ داغ است و شما در این مقایسه یک نگاه

مثبت به هر دو مساله دارید.

نگاه‌مثبت من به این دلیل است که اساساً تصمیم‌گیری‌های بزرگ تاریخی مانند پایان دادن به جنگ، دفاع در مقابل تهاجم و تجاوز، برون‌رفت از تحریم‌ها و مسائل هسته‌ای در بحث برجام، همگی تصمیم‌های بزرگ تاریخی هستند که ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دارند و با شرایط تصمیم‌گیری و اقدام، نسبت عمیق دارند. بنابراین معتقدم تصمیم‌گیری‌های تاریخی یک جامعه، مانند جامعه ایران پس از انقلاب – نه پیش از انقلاب که امور با زدویند و توافق‌های پنهانی انجام می‌شد– به دلیل مشخصه‌های ساختار قدرت سیاسی که تا حد زیادی شفاف است و مردم حضور دارند، همچنین انگیزه‌های سیاسی و اعتقادی که وجود دارد، مهمتر از آن؛ تأثیر مولفه های انقلاب در تصمیم‌گیری‌ها دارد بدون اجماع نمی‌توان تصمیم تاریخی گرفت.

منتقدان و نقدهای آن‌ها پس از انجام کار و تصمیم‌گیری، به‌قوت خودش باقی است اما توجه داشته باشیم اگر اجماع نبود اصلاً توافقی شکل نمی‌گرفت. به‌طور نمونه پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، رزمندگان بسیار ناراحت بودند و حتی گریه می‌کردند و برخی فرماندهان جنگ



صحت‌هایی داشتند، اما در نهایت برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ تاریخی، رهبران بزرگ سیاسی هر کشوری حضور دارند و به‌طور خاص در قطعنامه ۵۹۸ حضرت امام (ره) بودند و در بحث برجام رهبر معظم انقلاب و هر دو موضوع نوعی پاسخ به شرایط تاریخی بود. این شرایط تاریخی همیشه به این‌گونه است که در زمان خودش بر پایه یک اجماع شکل می‌گیرد اما به دلیل پیچیدگی و ابعاد آن، پس از تصمیم‌گیری مورد مناقشه قرار می‌گیرد.

از این‌رو باید بین اصل تصمیم‌گیری و پاسخ به شرایط تاریخی با نتایج، تفاوت قائل شد قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ بود و این امر محقق شد و باید پای این مسئله می‌ایستادیم و بهانه‌ای به عراق داده نمی‌شد که به مرزها حمله کند. بنابراین زمزمه‌هایی که پس از تهاجم مجدد رژیم بعث به مرزها شروع شد که چون عراق حمله کرد پس ما نیز باید حمله کنیم، مورد مخالفت امام قرار گرفت و اجازه ندادند این اتفاق بیفتد. و از طرفی امام بیان کردند مسئولیت قطعنامه با وزارت امور خارجه و علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت است و تأکید کردند، ما تعهد دادیم و این پیمان رانمی‌شکنیم.

اما موضوع برجام دارای دو مسئله است؛ نخست برون‌رفت از یک فشار سیاسی، تحریم اقتصادی و تهدید نظامی و دیگری اهداف و نتایجی بود که دنبال می‌شد. به این معنا که توافق باید انجام شود تا تحریم‌ها برداشته شود.

در حال حاضر مناقشه بر سر این مسئله نیست که چرا چنین تصمیمی گرفته شد بلکه این است که چرا تحریم برداشته نشد؟ چرا طرف ایرانی خوش‌بین بوده و دقت بیشتری روی توافق نداشته و پیامدهای کنونی را که نقض برجام است پیش‌بینی نکرده و چرا بیش از اندازه به طرف مقابل اعتماد شد؟ در واقع مسائل مورد مناقشه بر سر این امور است، نه اینکه چرا برجام انجام شده است. انتقاد بر سر مفساد و روش قرارداد و رویکرد حاکم بر توافق بوده که در چارچوب اعتماد و تعامل با آمریکا، مسئله دنبال شده است

نه بر اساس مذاکره با دشمن متخاصم با ایران.

بنابراین چنین رویکرد و روش است که مورد بحث و مناقشه است نه اصل توافق و ضرورت برون‌رفت از شرایطی که اگر برای آن تصمیم‌گیری و اقدام نمی شد، پیش‌بینی وضعیت کنونی با سر کار آمدن ترامپ، بسیار دشوار بود.



خبر

نقض حقوق و آزادی های سیاسی یک ملت

زمینه های سیاسی پذیرش قطعنامه ۵۹۸

ا|بوالفضل قدیم آبادی |
قدرت های بزرگی چون آمریکا همواره مدعی آزادی و برابری در نظام جهانی بوده اند و به این بهانه به تضییع حقوق ملت های بسیاری دست زده اند.

اولین معیار در تعیین آزادی، احترام به حق انتخاب یک ملت برای تعیین نوع حکومت و سرنوشت خود است و مردم ایران با حضور گسترده در صحنه های مختلف انقلاب میل و خواست خود را مبنی بر برقراری حکومتی اسلامی بیان کرده و آن را به دنیا نشان دادند.

حال چگونه است که آمریکا که مدعی آزادی خواهی برای ملل عالم بود در مقابل خواست ملت ایران ایستاد و فشارهای بسیاری بر این ملت وارد آورد. آیا آزادی خواهی تنها در معنا و مفهومی که مدنظر آمریکا باشد آزادی است و همه مطالبات باید در جهت تأمین منافع آمریکا باشد.

این چگونه حقوقی است که فقط برای چند کشور در صحنه بین المللی وجود دارد و دیگر ملت ها حتی در انتخاب سرنوشت خود و نوع حکومت خود ندارند؟ شعار آزادی، پیش از انقلاب ایران نیز در انقلاب های دیگر مطرح شده بود ولی مدعیان آن در مواجهه با آزادی خواهی ملت ایران به یکباره رنگ عوض کردند و احترامی برای خواست مردم ایران قائل نشدند.

تحریم های گسترده و همه جانبه در ساحت سیاسی و اقتصادی و تصویب آن در سازمان ملل با چه بهانه ای صورت گرفت؟ آیا جز این بوده است که قدرت‌های جهان به چیزی جز منافع خود نمی اندیشند و دم زدن از آزادی خواهی تنها نقاب آنان برای کسب وجهه در صحنه بین المللی است؟ نمونه دیگر آن مملکدر سازمان کسل و شورای امنیت است که به ظاهر برای ایجاد و برقراری صلح جهانی و حمایت از منافع ملت ها

در پایان جنگ شرایط

به گونه ای پیش رفت که

ایران با مقاومت و نمایش

قدرت دفاعی خود در صحنه

بین المللی معادلات را به

نفع خود تغییر داد و شورای

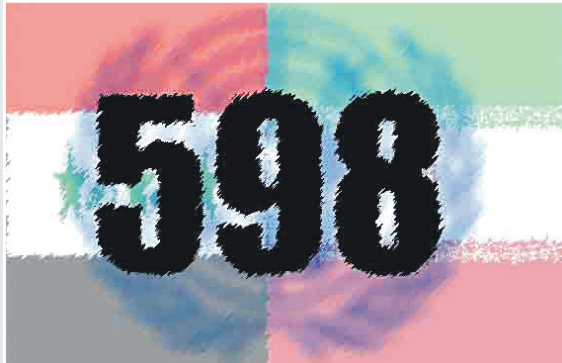
امنیت را وادار نمود که

پس از صدور ۷ قطعنامه با

جهت گیری های ناعادلانه

در مورد ایران قطعنامه ۵۹۸

تصویب نماید



جهانی از عراق به اوج رسید و آمریکایی ها عملا و به طور مستقیم وارد صحنه شدند.
سکوهای نفتی ما را بمباران می کردند و با هدایت هواپیماهای عراقی بمباران نفت کش ها را تسهیل می کردند.
هواپیمای مسافربری ایران را مستقیما منهدم کردند.فرانسوی ها هواپیماهای پیشرفته سوپر اتاندارد و میراژ ۲۰۰۰ را اختیار آنها گذاشتند،روسهامدثرترین هواپیماهای جنگنده و دورپراز و بلند پرواز و ... را به عراق ارسال کردند.کویت و عربستان سیل دلارهای خود را به عراق روانه ساختند.
آلمانیها مواد لازم برای سلاح شیمیایی در اختیار آنها می گذاشتند.

عراق به طور وسیع مناطق مسکونی و جبهه ها را بمباران شیمیایی می کرد و مجامع بین المللی با سکوت خود این جنایات را تأیید می کردند.
در نتیجه جنگ از حالت طبیعی خود خارج و به یک نسل کشی گسترده و بدون هیچ گونه ملاحظات اخلاقی، انسانی و حقوقی تبدیل شده بود.»

علی رغم تمام این فشارها ایران تا شناساندن و وادار به پذیرفتن حقوق خود از مقاومت دست نکشید و با تکیه بر پشتوانه اعتقادی و باور به رهبری امام خمینی(ره) با قدرت ایستادگی نمود.

گفت‌وگو با جواد منصوری، نخستین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

قدرت‌های جهانی نمی‌خواستند ایران پیروز جنگ باشد

امهدیه احمدی | قطعنامه ۵۹۸ یکی از قطعنامه‌هایی بود که از سوی شورای امنیت سازمان ملل ۲۹ تیر ۱۳۶۶ برای پایان دادن به جنگ عراق علیه ایران صادر شد. این قطعنامه که در همین سال از سوی عراق پذیرفته شد پس از گذشت بیش از یک سال از سوی ایران مورد پذیرش قرار گرفت. یکی از دلایلی که باعث شد تا این قطعنامه از سوی ایران پس از گذشت یک سال امضا شود به دلیل بندهایی بود که ایران درخواست داشت در آن گنجانده شود؛ به طور نمونه اینکه عراق متجاوز است و باید غرامت بپردازد. در این‌باره به سراغ جواد منصوری، نخستین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رفتیم و به واکاوی این قطعنامه و علت پذیرش آن از سوی ایران پرداختیم که در ادامه می‌آید.

۱ پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از چه موضعی برای ایران رقم خورد و اینکه چه مسئله یا مسائلی باعث شد که درنهایت ایران این قطعنامه را بپذیرد؟

زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۳۶۶ه‍.ش در شرایطی به ایران ارائه شد که وضعیت ما در جبهه‌های جنگ به نسبت بهتر از سال بعد از آن بود و به این دلیل متن قطعنامه به گونه‌ای بود که تا حدودی میتوانست امتیازاتی برای ایران به همراه داشته باشد اما در عین حال تمام نظرات ما را تأمین نمی کرد؛ به ویژه در دو موضعی که به صراحت محکومیت متجاوز را اعلام نمی کرد و همچنین در بحث پرداخت غرامت‌ها بود. در نتیجه این مسئله تا رسیدن به مرحله نهایی و پذیرفتن آن از سوی ایران یک سال به طول انجامید تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۶۷ه‍.ش شرایط ما در جبهه‌های جنگ تغییر کرد به گونه‌ای که امکان ادامه جنگ بسیار مشکل و احتمال خسارت‌های بسیار سنگین‌تری برای کشور به همراه داشت؛ و اگر این شرایط به وجود می آمد پذیرش قطعنامه برای ایران ممکن نبود.

ازاین‌رو بود که در نهایت تیسر ۱۳۶۷ه‍.ش با توجه به بحث‌های زیادی که بین مسئولان کشوری انجام شد به این نتیجه رسیدند که قطعنامه را بپذیرند. اگرچه آن دو موضوع (متجاوز بودن عراق و پرداخت غرامت جنگی به دلیل این تهاجم که موردنظر ایران بود) در قطعنامه نیامده بود اما خلیوار پرز دکوثیار، دبیر سازمان ملل وقت این طور بیان کرد امن نظر شما را تأمین خواهیم کرد».و اتفاقاً درباره اعلام متجاوز بودن صدام، به قول خود عمل کرد و اعلام کرد که عراق در این جنگ متجاوز بوده است که خود به خود این سخن به معنای پرداخت غرامت و خسارت جنگی نیز می‌شد.

اما در ادامه شرایط تغییر کرد و در عمل مسائل به طور کلی متفاوت شد و به این ترتیب این دو مسئله در مجامع بین‌المللی فراموش شد و ترتیب اثر داده نشد.

البته در ادامه با پذیرش قطعنامه از سوی ایران، دولت صدام این تصور را داشت که در شرایطی برتر قرار دارد به این معنی که آمریکایی‌ها به سرعت برای حمایت از این کشور وارد خلیج فارس شده بودند و نیز تمام جریان‌ها در سازمان ملل به نفع این دولت متجاوز بود و ایران در موقعیتی است که نمی‌تواند در مقابل پیشروی عراق بایستد بنابراین در مذاکرات شروع به ایجاد مشکل و اشکال تراشی کرد اما درنهایت توافق‌ها انجام و پیشرفت‌هایی در اجرای قطعنامه به نفع کشور به‌دست آمد.

۲ از سوی برخی منتقدان اعلام می‌شود ایران به نوعی مجبور به پذیرش این قطعنامه شد. نظر شما در این رابطه چیست؟

اشاره شد در شرایطی ما این قطعنامه را پذیرفتیم که ادامه جنگ تقریباً ممکن نبود. و شاید به همین دلیل بود که باید



بگویم ایران به ناچار آن را پذیرفت زیرا اگر ادامه می‌دادیم خسارت بسیار سنگین‌تری برای کشور رقم می‌خورد درنتیجه ادامه جنگ به صلاح کشور نبود. به‌همین دلیل حضرت امام (ره) آن را به نوشتیدن جام زهر تعبیر کردند. به این معنی که امام فکر نمی‌کردند در جنگ تحمیلی به این نقطه برسیم اما به هر حال با توجه به حمایت‌های مجامع بین‌المللی از دولت متجاوز عراق ایران در این موقعیت قرار گرفت.

همچنین مسئولان جنگ به امام (ره) اعلام کردند که با توجه به شرایط موجود و امکاناتی که در اختیار داریم قادر به ادامه جنگ نیستیم؛ اضافه بر این عراق به شکل گسترده‌ای رو به سلاح‌های شیمیایی آورده بود و علیه ایران استفاده می‌کرد. ادامه چنین وضعیتی

بسیار ناجوانمردانه و وحشتناک بود که کشتار وسیعی به دنبال داشت و ادامه جنگ با این شرایط نابرابر برای نیروهای ما بسیار سخت و تقریباً ناممکن بود.

۳ برخی این موضع ایران را در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به عنوان تضعیف نظام یاد کردند، نظر شما در این‌باره چیست؟

درباره یک مسئله همیشه نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که نمی‌توان مانع بیان آن‌ها شد. به طور قطع افراد مختلف، نگاه‌های متفاوت و در نتیجه تحلیل‌های متفاوت نیز دارند. اما باید توجه داشته باشیم واقعیت قضیه این است که در دنیا بسیار اتفاق می‌افتد که دولت‌هایی به هر شکل وارد جنگ می‌شوند و یا جنگی به آن‌ها تحمیل می‌شود و سپس در موقعیتی باید شرایط را بپذیرند. چنین مسئله‌ای موضوع خاصی نیست که بخواهیم بگوییم ادامه جنگ ناشی از قدرت است و خاتمه دادن به آن نشانه ضعف. مسئله جنگ و سایر موضوعات پیرامونی آن در جهان امروز تازگی ندارد همان طور که شاهد جنگ‌های بسیاری در جوامع بشری بوده‌ایم. به طور نمونه سال

۱۳۶۹ه‍.ش عراق در تجاوز دیگر خود به کویت درنهایت شکست بسیار سختی خورد و مجبور به تسلیم محض در مقابل آمریکایی‌ها شد. یا در جنگ دیگری آمریکایی‌ها هر کاری خواستند در عراق کردند و خسارت و آسیب‌های به این کشور زدند که همچنان دامن‌گیر مردم عراق است.

پذیرش قطعنامه از سوی ایران نوعی موقعیت‌سنجی به هنگام بود که نگذاشت آسیب‌های جبران‌ناپذیری به کشور وارد شود و از خسارت بیشتر جلوگیری کرد.

۴ در یک واکاوی دیگر چرا ایران به این نقطه رسید که قطعنامه را بپذیرد که خامنیی (ره) از آن به‌ه عنوان

نوشیدن جام زهر یاد کردند؟

شاید بخشی به این برگردد که فرماندهان جنگ تصور نمی کردند کشورهای عربی منطقه و نیز اروپاییان این گونه گستاخانه وارد جنگ با ایران در حمایت از صدام شوند. جریان سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرباس ۶۵۵ ایران از سوی ناو آمریکایی نمونه‌ای از حمایت‌های همه جانبه جهان از صدام بود که در اقدامی دمنشانه حتی افراد عادی را هدف قرار داده بودند. همچنین حمله به تجهیزات و پالایشگاه‌های نفتی و نیز کشتی‌های نفتی ایران مسئله‌ای ساده نبود که بتوان در ادامه جنگ نادیده گرفت. به اضافه موشک‌های دوربرد و کاربرد سلاح‌های شیمیایی که خسارت‌های انسانی را به اوج خود می‌رساند. مسئله دیگر که در پذیرش قطعنامه موثر بود این است که در ماجرای جمعه خونین مکه و کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ه‍.ش دولت عربستان سعودی با تمام امکانات خود و با تاییدیه کشورهای منطقه، در یک همکاری نزدیک با صدام و اسراییل وارد جنگ با ما شد و تمام این عوامل در کنار هم باعث تغییر معادله جنگ به نفع عراق شد.

درنتیجه اجماع بین‌المللی درساره ایران، اقدامات عملی

دولت‌های دیگر علیه جمهوری اسلامی ایران و… مسائل کوچکی نبودند که بتوان موقعیتی برابر در اختیار داشت؛ ورود کشورها در حمایت صدام معادلات جنگ را به طور کلی دگرگون کرد چرا که به طور قاطع اعلام کرده بودند ایران نباید در این جنگ پیروز میدان باشد.

۵ آیا می‌توان شرایط امروز کشور در بحث برجام را با موقعیت ایران در سال ۱۳۶۷ه‍.ش و پذیرش قطعنامه مقایسه کرد؟

این دو امر قابل مقایسه با یکدیگر نیستند زیرا نحوه برخورد‌ها متفاوت است. مسئله این است که در جریان برجام نیز دولت به این نتیجه رسید که نمی‌تواند کشور را در شرایط تحریمی اداره کند بنابراین به نوعی می‌توان گفت تسلیم شد.

در جریان قطعنامه ۵۹۸ حضرت امام (ره) با صداقت و شهامت با مردم سخن گفتند و اعلام کردند ما جنگ را ادامه دادیم چون فکر می‌کردیم مسیر حقی است و گونه نشد به این معنی که به نوعی با افکار عمومی و منافع ملی بازی شد و نه تنها حقیقت به طور شفاف بیان نشد حتی در این مسئله به مردم آدرس اشتباه دادند. به طور نمونه در این جمله که عنوان شد «تمام تحریم‌ها برداشته می‌شود» یا «ما همچنان بحث هسته‌ای را در کشور خواهیم داشت» و… می‌بینیم که در عمل هیچ یک از این امور محقق نشد.

۶ سخن آخر؟

فرماندهان جنگ از تحولات سیاسی خارج از صحنه جنگ، تحلیلی نداشتند و نوعی خوش‌بینی افراطی نسبت به آینده آن نداشتند ازاین‌رو فرصت‌های بسیاری را از دست دادند. به طور نمونه همان طور که در بالا آمد شرایط ایران در سال ۱۳۶۶ه‍.ش برای پذیرش قطعنامه بسیار مناسب‌تر نسبت به سال ۱۳۶۷ه‍.ش بود زیرا بعد از سال ۶۷ کشور با شرایط سنگینی در جنگ روبه‌رو بود. و لازم بود فرماندهان جنگ نسبت به پیش آمد این وضعیت تحلیلی از پیش می‌داشتند.

یادداشت

درس فراموشی نشدنی قطعنامه ۵۹۸

اظهار ضعف کنید دشمن

در حمله تشویق می‌شود

الهییار امینی | قطعنامه ۵۹۸ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد ۲۷ تیر ۱۳۶۶ صادر گردید ، این قطعنامه با واکنش های منفی شدیدی از سوی ایران روبرو شد و تقریباً همه مقامات رسمی کشور از روسای جمهور و مجلس گرفته تا نخست وزیر و وزیر خارجه در اظهارات و بیانیه هایی آن را غیرعادلانه خواندند.

نکته این که قطعنامه ۵۹۸ هر چند محسناتی نسبت به قطعنامه های پیشین داشت ولی نه تنها صدام را به عنوان متجاوز محکوم نکرده بلکه در این قطعنامه هیچ اشاره ای به این واقعیت که صدام در طول جنگ از سلاح های شیمیایی استفاده کرده نیز نشده بود. از سوی دیگر به صدام نیز اطمینانی نبود کسی که قرارداد الجزایر را که خود در زمان رژیم پهلوی با مقامات وقت کشورمان آن را امضا کرده بود پیش از آغاز رسمی جنگ در مقابل دوربین ها پاره می کند چه تضمینی است که قطعنامه ۵۹۸ را نیز پس از پذیرش پاره نکرده و پس از تقویت خود جنگ را دوباره آغاز نکند؟! از ۲۷ تیر ۱۳۶۶ یک سال می گذرد ، در این یک سال اتفاقات زیادی روی می دهد که نشان از عزم جدی ابرقدرت ها دارد که ایران اسلامی را تحت فشار برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ قرار دهند ، حمله به هواپیمای مسافربری ایران تنها یک اخطار می توانست باشد ، استفاده گسترده صدام از سلاح های شیمیایی در حلیجه که به شهادت هزاران نفر منجر شد نیز اخطار دیگری بود که هیچ حد و مرزی در این میان برای غرب و صدام وجود ندارد.

امام خمینی (ره) در نامه ای به مسئولین کشور در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۶۷ که چند سال پیش از سوی هاشمی رفسنجانی افشا شد تاکید کرده بودند «حال که مسئولان نظامی ما عم از ارتش و سپاه که خبرگران جنگ می‌باشند، صریحاً اعتراف می‌کنند که ارتش اسلام به این زودی‌ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد و نظر به این که مسئولان دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی‌دانند و با قاطعیت می‌گویند که یک دهم سلاحهایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده‌اند به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی‌شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده‌ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست‌های اخیر به اینجناب رسیده و به اعتراف جانشینی فرمانده کل نیروهای مسلح،فرمانده سپاه یکی از معذور فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می‌باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسائل خنثی کننده آن، اینجناب با آتش بس موافقت می‌نمایم»

مسعود رجوی سرکرده منافقین گمان می کرد که جمهوری اسلامی قطعنامه را از موضع ضعف قبول کرده و اینک مهم ترین زمان برای رخنه است ، هجوم به مرزها درست پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و بمباران روستاهای مرزی کشورمان توسط جنگنده های بعضی و حتی استفاده صدام از سلاح های شیمیایی نشان داد که صدام نیز ضعف ایران را پیش فرض گرفته است.

۱۱ مرداد ۱۳۶۷ در آخرین حمله شیمیایی عراق به مناطق غیرنظامی ایران در جنگ تحمیلی، ۵۱ تن شهید و ۲۸۰۰ نفر دیگر نیز مصدوم شدند که بیشتر قربانیان را کودکان، زنان و سال‌خوردگان تشکیل می‌دادند. حملات شیمیایی عراق به این روستا در روز بعد (۱۲ مرداد) نیز ۳۸ شهید و ۱۵۰ مصدوم بر جای گذاشت.

این ها تنها گوشه ای از جنایات صدام پس از پذیرش قطعنامه بود که در فرصتی مجزا نیاز به بررسی از سر دقت دارند. روی سخن در این مجال آن جاست که مذاکره از سر ضعف و سخن گفتن به صورتی که دشمن از آن احساس ضعف کند همواره خطرناک بوده و دشمن را جری می سازد. رهبر معظم انقلاب در این راستا ۱۶ اسفند سال گذشته در دیدار با دست اندرکاران راهبان نور تاکید کردند «جنگ تحمیلی به‌خاطر این اتفاق افتاد که دشمن در ما احساس ضعف کرد. اگر دشمن بعثی و محرکینش خاطر جمع نبودند که سر چند روز به تهران خواهند رسید -آنها این‌جوری فکر می‌کردند- این جنگ انجام نمی‌گرفت؛ آنها در ما احساس ضعف کردند. احساس ضعف شما موجب تشویق دشمن به حمله به شما است؛ این یک قاعده‌ی کلی است. اگر می‌خواهید دشمن را از تهاجم به خودتان منصرف کنید، سعی کنید اظهار ضعف نکنید. نمی‌گویم به‌دروغ بگوییم قوی هستیم. [بلکه] می‌گویم قوت خودمان را آشکار کنیم. ما نقاط قوت زیادی داریم. این نقاط قوت را آشکار کنیم. در زمینه‌ی اقتصادی هم همین‌جور است، در زمینه‌ی فرهنگی هم همین‌جور است.

در جریان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز این واقعیت تلخ خود را نشان می دهد ، امام خمینی (ره) بسیار قوی و قاطع بودند ، بنا بر آن چه که در پیام پذیرش قطعنامه آمده و اسام خمینی (ره) بر آن تاکید دارند « من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم» ولی نامه های متعدد فرماندهان نظامی مبنی بر این که « به این زودی‌ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد » و اظهار ضعف های مکرر در مقاطع مختلف دیگر که خبر آن به دشمن نیز رسیده بود قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران پذیرفته می شود و دشمن از آن نهایت سوء استفاده را برده و حملات خود را تشدید می کند.

^[1] بخشی از خاطرات هاشمی رفسنجانی منتشر شده در خبرگزاری فارس در تاریخ ۹۳/۷/۶

گفت‌وگو با اسماعیل کوثری

تعلل در پذیرش قطعنامه از سوی ایران، به خاطر بدعهدی دشمنان بود

فاطمه امیراحمدی | در حالی که برخی فرماندهان نظامی معتقدند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۶ه.ش به دلیل موقعیت مناسب ایران در جنگ باید در این سال اتفاق می‌افتاد برخی دیگر عنوان می‌کنند قطعنامه نخست بیشتر شبیه توصیه‌نامه‌ای ساده بود که دو طرف را دعوت به صلح و آشتی می‌کرد بدون در نظر گرفتن این مسئله که عراق کشوری متجاوز است و برای آسیب‌ها و خسارت‌هایی که این جنگ تحمیلی داشت باید به ایران غرامت بدهد. گفت‌وگویی با اسماعیل کوثری، فرمانده اسبق لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

۴ ارزیابی شما از نقش آفرینی دستگاه دیپلماسی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ چیست؟

پس از عملیات کربلای ۵ استیکبار جهانی و سازمان ملل به این نتیجه رسید که در این جنگ نه تنها ارتش بعث عراق در راس آن صدام حسین نمی‌تواند پیروز شود بلکه این ایران است که با پیروزی‌های مداوم خود در حال قدرت گرفتن بیشتر در منطقه است. بنابراین دچار وحشت شدند و دومین قطعنامه را با چند بند ارائه کردند که دستگاه دیپلماسی ایران آن را ارزیابی و درنهایت قطعنامه ۵۹۸ که مورد پذیرش ایران بود امضا شد.

ما بحث اصلی در این‌باره این نبود که ایران حاضر به پذیرش قطعنامه نبود بلکه مسئله معرفی متجاوز به جهانیان بود و این مسئله که باید به ایران غرامت پرداخت شود. همچنین تضمین داده شود که عراق دیگر هرگز به ایران حمله نخواهد کرد این بندهایی بود که مورد درخواست ایران برای پذیرش قطعنامه بود.

در ادامه شاهد هستیم که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی حضرت امام (ره) بر خلاف تعهد خود عمل کردند و با حمایت سازمان ملل و در راس آن دولت آمریکا، ارتش بعث را وادار به تجاوزی دیگر به خاک ایران کردند. و اگر سال ۱۳۵۹ه.ش نتوانسته بودند شهرهای سر پل ذهاب و گیلان غرب را اشغال کنند پس از پذیرش قطعنامه آمدند و اشغال کردند و حتی

فراخوان داده و مناقیقن را نیز وارد میدان جنگ کردند که می‌خواستند خود را به تهران برسانند. مسئله پذیرفتن یا نپذیرفتن قطعنامه نبود بلکه عمل به تهداتی بود که معمولا از سوی مقابل انجام نمی‌شد. ما با مذاکره مخالف نیستیم اما این بدعهدی‌هاست که ایران را در مذاکرات دچار تعلل می‌کند. در زمانی که مستکبران اعلام می‌کردند ایرانی‌ها جنگ‌طلب هستند امام (ره) با شجاعت قطعنامه را پذیرفتند و مسئولان نیز این امر را قبول کردند اما در ادامه دیدیم که عراق گسترده‌تر از روزهای نخست تهاجم به مرزها و شهرهای ایران را آغاز کرد. و در زمانی که برخی مسئولان دولتی مسئولیت‌های جنگی را نیز پذیرفته بودند و عنوان می‌کردند مردم خسته شده‌اند و دیگر برای دفاع از مرزها حاضر به حضور در جبهه‌های جنگ نیستند، همه آمدند و در این مرحله نیز دشمن را وادار به عقب‌نشینی کردند.

بنابراین این بدعهدی‌ها بود که ایران را در مذاکرات و پذیرش قطعنامه مردم می‌کرد و آنچه برخی منتقدان عنوان می‌کنند که چرا ایران پس از آزادی خرمشهر جنگ را ادامه داد باید گفت به این دلایل بود.

همچنین قطعنامه نخست چیزی جز یک توصیه‌نامه نبود که مسئله خاصی در آن ذکر نشده بود. اما دستگاه دیپلماسی ایران روی آن کار و آن را تقویت کرد و سرانجام پس از گذشت یک سال این قطعنامه از سوی ایران پذیرفته شد؛ اگرچه که همان زمان نیز

اعلام شد نمی‌توان به این تعهدات اطمینان کرد اما در نهایت با صلاحدید مسئولان امر که نزد امام (ره) رفتند و عنوان کردند باید بپذیریم، امام نیز پذیرفتند. اما دیدیم که آن‌ها نیز خلف وعده کرده و دوباره به مرزهای کشور حملهور شدند که خوشبختانه حضور مردمی و رزمندگان باعث شد تا تمام نقشه آن‌ها نقش بر آب شود و مشت محکمی بر دهان آنها باشد. به این ترتیب رزمندگان حاضر نشدند یک وجب از خاک کشور را به دشمن بدهند.

۵ با توجه به توضیحات، پس آنچه که باعث ادامه جنگ شد، قطعنامه‌ای بود که بیشتر توصیه‌نامه برای خاتمه جنگ بین دو طرف بود، درست است؟
بله، قطعنامه‌ای بود که بیشتر به شکل توصیه‌نامه بسته شده بود؛ اینکه به طور مثال دو کشور با یکدیگر درگیر نشوند و غیره. بنابراین چنین امری که کشوری با حمایت دولت‌های استیکبار حتی سازمان ملل هر زمان که بخواهد به مرزهای کشور دیگر حمله کند از سوی ایران قابل قبول نبود. لازم بود سازمان ملل به مسئولیت‌ها و تعهدات خود عمل کند تا به همین سادگی کشوری به خود اجازه ندهد مرزهای کشور دیگری را مورد تهاجم خود قرار دهد. باید پرسید اساس تشکیل سازمان ملل برای چه

امری بود و در واقع مسئولیت اصلی این سازمان چیست؟ پاسخ این است که اگر کشوری به دنبال زورگویی و تجاوز به کشوری دیگر است مانع شود اما متأسفانه چون سازمان ملل دست‌پرورده دولت‌های غربی است به نفع آن‌ها عمل کرده و همه امور را به سوی تأمین منافع آن‌ها هدایت می‌کند. در تجاوز علیه ایران نیز سازمان ملل به همراه کشورهای غربی حامی عراق بودند و هدف‌شان این بود که ایران پیروز میدان نباشد ضمن اینکه آنها عراق قدرتمند را نیز نمی‌خواستند. بنابراین چنین موضع‌گیری‌ها بود که ایران را در امضای قطعنامه مردد می‌کرد.

۶ اشاره کردید آنها عراق قدرتمند را نیز نمی‌خواستند. چرا؟
به دلیل حفظ منافع‌شان. آنها به دنبال کشوری هستند که بر اساس منافع آنها حرکت کرده و گشوش به فرمان آنها باشد و از خود هیچ استقلالی نداشته باشد. شاهد هستیم که پس از گذشت دو سال از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۹ه.ش ارتش بعث به ظاهر حمله‌ای دیگر به کویت می‌کند و آنجاست که آمریکا وارد می‌شود و بخشی از ارتش عراق را منهدم و از بین می‌برد.

۷ همچنین برخی منتقدان بحثی را مطرح می‌کنند که قطعنامه ۵۹۸ یک آتش بس است که عراق می‌تواند هر زمان که بخواهد آن را فسخ و دوباره به مرزهای جمهوری اسلامی ایران حمله کند. نظر شما در این‌باره چیست؟
بله، بین ایران و عراق آتش بس برقرار شد و زمانی این اتفاق می‌افتد که دو طرف جنگ را خاتمه دهند. زمانی که این اتفاق می‌افتد و آتش‌گشایی از سوی دو طرف پایان می‌گیرد

درنهایت به صلح می‌انجامد. ضمن اینکه امروز وضعیت تغییر کرده و با تحولاتی که در عراق رخ داده شرایط این کشور متفاوت از گذشته شده است. روابط این دو کشور نسبت به سال ۱۳۵۹ه.ش در زمان رژیم بعث که به کشور حمله و وارد شهرهای مرزی ایران شدند (و در واقع قدرت‌های جهانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ارتش عراق را علیه ایران شورانند) تغییر کرده است. ملت و دولت دو کشور ایران و عراق امروز کنار یکدیگر هستند و مشکلی ندارند و این رابطه یک ارتباط دوستانه و صلح‌آمیز است.

۸ آیا می‌توان عنوان کرد ایران ناچار به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شد؟
همان طور که گفتم در آن مقطع زمانی که دولتمردان وارد جنگ شدند مسئله پذیرش قطعنامه را دنبال می‌کردند و درنهایت این جمع‌بندی را به حضرت امام (ره) نیز ارائه دادند و عنوان کردند نمی‌توان به این شکل جنگ را ادامه داد و امام نیز بر اساس استدلال‌های مسئولان دولتی قطعنامه را پذیرفتند. در حالی که به نظر بنده به امام گزارش اشتباه داده شد چرا که به وی اعلام شد مردم خسته شده اند در حالی که دیدیم پس از پذیرش قطعنامه دولت متجاوز بعث دوباره به مرزهای جمهوری اسلامی حمله کرد اما با حضور رهبر معظم انقلاب (رئیس‌جمهور وقت) در صحنه نبرد در کنار مردم و درخواست ائمه جمعه کشور برای حضور در جبهه‌های جنگ، مردم برای مقابله با این تجاوز بسیج شدند و اتفاقا مردم با شور و شوق بالایی آمدند و دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد. مردم نقش خود را در این برهه زمانی عالی ایفا کردند و با حضور به موقع و پرشور دشمن را وادار به عقب‌نشینی کردند.

قطعنامه ۵۹۸ در جراید زمان



کیهان ۲۹ تیر ۱۳۶۶

قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ ایران و عراق ۲۹ تیر ۱۳۶۶ از سوسی شورای امنیت صادر شد ، پیش از صدور این قطعنامه خلیج فارس در وضعیت بحرانی به سر می برد و آمریکا به صورت رسمی در حمایت از صدام وارد معرکه شده بود ، تهدید کشتی های ایران در این روزها با واکنش رسمی جمهوری اسلامی مواجه شده و آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت تاکید کردند : ما خواهان صلح در خلیج فارس هستیم اما اگر کشتی های ما زده شود، آن وقت ناوها را به قعر دریا خواهیم فرستاد.



کیهان ۳۰ تیر ۱۳۶۶

اولین واکنش رسمی توسط وزارت خارجه ؛ ایران قطعنامه شورای امنیت را غیر عادلانه خواند . در مقابل استقبال آمریکا و عراق از قطعنامه ۵۹۸ وزارت خارجه کشورمان اعلام کرد : شورای امنیت در قبال بحران خلیج فارس مسئولیت مستقیم و مستقی دارد که قطعنامه اخیر به هیچ وجه پاسخگوی این مسئولیت نیست. وزارت خارجه همچنین اعلام کرد « این قطعنامه در شرایطی به تصویب رسیده که آمریکا با اعلام تصمیم خود مبنی بر اعزام ناوهای جنگی به منطقه ، بند اجرای پنجم قطعنامه را که بر عدم دخالت سایر کشورها در جهت تشدید و گسترش آتش جنگ اشاره دارد نقض کرده است»



جمهوری اسلامی ۳ مرداد ۱۳۶۶

به دنبال صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس و سخنگوی شورای عالی دفاع تصمیم جنگی جدید ایران را اعلام کرد : اگر به منابع نفتی و تأسیسات اقتصادی ایران حمله شود با شرکای عراق مقابله به مثل می کنیم. هاشمی رفسنجانی همچنین گفت : شورای امنیت دروغ گو است و هنوز هم فکر می کند که مردم باید به این شورا اعتماد کنند. در این روز قائم مقام وزیر خارجه شوروی نیز در دیدار با سفیر ایران در مسکو اعلام کرد : حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس نقض قطعنامه اخیر شورای امنیت است ،



جمهوری اسلامی ۳۱ تیر ۱۳۶۶

برداشت عمومی در کشور و در روزهای پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت منفی بود ، آیت الله خامنه‌ای رئیس جمهور وقت در اجتماع مردم اردبیل در این راستا می گویند ؛ تسلیم قطعنامه شورای امنیت نخواهیم شد و ضربات قاطع تر خود را بر دشمنان وارد خواهیم کرد» ولایتی وزیر وقت امور خارجه نیز تاکید می کند « شورای امنیت نشان داد که جرأت و جسارت اتخاذ یک تصمیم درست و عادلانه را ندارد « واکنش های جهانی نیز در نوع خود جالب بود ، گاردین چاپ انگلیس نوشت : در واقع احتمال پیروزی ایران در جنگ و عواقب ناشی از آن برای منطقه بود که قدرت های بزرگ را متحد و برای پایان این جنگ ۷ ساله همصدا کرد.



جمهوری اسلامی ۱ مرداد ۱۳۶۷

واکنش غیر صادقانه صدام با قطعنامه ۵۹۸ باعث آن می شود که امام خمینی (ره) از نیروها بخواهند که آمادگی خود را حفظ کنند ، جمهوری اسلامی در شماره ۱ مرداد ۱۳۶۷ در این زمینه به نقل از امام تیترو می زند : سلحشوران ارتش اسلام باید خود را آماده کنند که اگر دشمن پست دست به حملاتی زد پاسخ مناسبی بدهند ، حضرت آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت نیز در خطبه های نماز جمعه گفتند : رژیم عراق با قطعنامه ۵۹۸ صادقانه برخورد نکرده است نیروهایی که در جبهه ها هستند هوشیاری خود را حفظ کنند.



جمهوری اسلامی ۱ مرداد ۱۳۶۶

چنان که روسای جمهور و مجلس و همچنین وزیر امور خارجه در واکنش هایی قطعنامه شورای امنیت را محکوم و آن را منفی شمرده بودند نخست وزیر نیز در مصاحبه‌ای پیرامون اسکورت نفتکش های کویتی می‌گوید: آمریکا قطعنامه شورای امنیت را نقض کرده است. هنوز مرکب این قطعنامه خشک نشده است که آمریکا با حضور نظامی تحریک آمیز خود در خلیج فارس آن را نقض می کند لذا ما حاضر نیستیم برای قطعنامه ای که از سوی تصویب کنندگان آن این گونه زیر پا گذارده می شود اعتباری قائل شویم.

اطلاعات ۳ مرداد ۱۳۶۶

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و سخنگوی شورای عالی دفاع سیاست جدید جنگی ایران در خلیج فارس را اعلام و تأکید می کند : انهدام مراکز اقتصادی شرکای عراق سیاست جدید مقابله به مثل ایران است. هاشمی همچنین گفته بود « اگر شما متجاوز را محاکمه نکندید خودمان برای صدام دادگاه نظامی تشکیل خواهیم داد »

کیهان ۲۹ تیر ۱۳۶۷

یک سال از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت می گذرد، در این مدت اتفاقات تاسف بار زیادی روی می دهد و ابرقدرت ها از جمله آمریکا به صورت رسمی وارد جنگ شده هوابمایی مسافر بری ایران را ساقط کرده و صدام نیز از سلاح های شیمیایی در حلبچه به صورت گسترده استفاده می کند ، عقب نشینی برخی مسئولین نیز سبب صدور پیام تاریخی امام در سالگرد فاجعه خونین مکه می شود.



اطلاعات ۳۰ تیر ۱۳۶۷

روزنامه اطلاعات پیام امام خمینی (ره) در پذیرش قطعنامه و در سالگرد کشتار حجاج ایرانی را منشور متکامل انقلاب اسلامی خواند ، در بخشی از این پیام که اطلاعات آن را در صفحه نخست پوششش داده بود آمده است « من در میان شما باشم و یا نباشم، به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب ، به دست ناهالان و نامحرمان بیفتد، نگذارید پیش کسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند»



رسالت ۳۰ تیر ۱۳۶۷

هر یک از روزنامه ها بخشی از پیام تاریخی امام امت را در صفحات خود به عنوان تیترو تیرت یک انتخاب و کار کرده بودند ، رسالت در شماره ۳۰ تیر ۱۳۶۷ خود این گونه به استقبال پیام امام رفت : تا شرک و کفر هست مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم